

نقش محوری شوراهای کنترل کارگری در پلاتفرم چپ

توان نظامی خود کوشیده است هرجنبش اعتراضی را با فهروسرکوب فرو نشاند تا اوضاع را تحت کنترل درآورد، اما این سرکوبها در بحبوحه بحران ژرف موجود نه تنها به کنترل این بحران و مهار جنبش نیانجامیده بلکه بالعکس بحران را ژرف تر و ناراضیتی و اعتراض راگسترده تر ساخته‌اند. هنوز سرکوب خونین جنبش در یک شهر و یک صفحه ۳

در سراسر ایران و اعتلاء روز افزون جنبش توده‌ای در سال های اخیر به وضوح نشان داده‌اند که که حل این بحران در چار چوب نظم موجود و موسسات، نهادهای و قوانین آن ممکن نیست. تاکتیک توسل به قهر عربیان برای حفظ وجودیت رژیم و مهار جنبش با گذشت هر روز کارآئی خود را بیشتر از دست می‌دهد. در اصله همین چند سال اخیر حکومت اسلامی با تمام

چشم‌انداز تحول سیاسی در ایران، برافتادن رژیمجمهوری اسلامی را از طریق یک تحول انقلابی به یک واقعیت قریب الوقوع تبدیل کرده‌است. جمهوری اسلامی با چنان بحران رژیمی روپرور است که به سادگی نمی‌تواند از مخصوصه فروپاشی نجات یابد. تمام تلاشهای رژیم در طی چند سال این بحران، آشکارا با شکست روبرو شده‌است رشد و گسترش مبارزات

استیصال کنگره، کنگره استیصال!

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبریا بی‌تفاوتی سیاسی مردم این کشور برگزار شد. نیمی از واجدین حق رای در این انتخابات شرکت نکردند. نتیجه این انتخابات به علت اختلاف نظر میان دو حزب دمکرات و جمهوریخواه و تقلب‌های انتخاباتی، هنوز پس از گذشت یک هفته اعلام نشده است. نتیجه هرچه باشد و هریک از این دو حزب وابسته به انصار امپریالیستی برندۀ اعلام شود، در وضعیت مردم تغییری صورت نخواهد گرفت. این حقیقت بر میلیونها کارگر و زحمتکش آمریکائی که در انتخابات شرکت نکردند نیزروشن است.

از همان هنگام که چند ماه پیش نمایش‌های صفحه ۸

در این شماره

چه امکاناتی برای تغییرات وجود دارد

اخباری از ایران

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌های سازمان

تشدید اقدامات سرکوبگرانه دستگاه قضائی

جمهوری اسلامی، سرکوب و اختناق را تشدید کرده‌است. ارگانهای سرکوب پلیسی-امنیتی و قضائی حکومت اسلامی فعالانه در حال بگیری و بند و محکوم کردن مردم‌اند. مدهاتن از توده‌های مردم و دانشجویانی که در حریان اعتراضات توده‌ای چند ماه اخیر در شهرهای مختلف ایران دستگیر شده اند، در بیدادگاه‌های اسلامی به محکمه کشیده شده و هر یک به چند سال زندان محکوم شده‌اند. اخبار و گزارشات رسیده از خرم آباد حاکی است که حتی برخی از فعالین جنبش‌اعتراضی اخیر به قتل رسیده اند. نویسنده‌گان روزنامه‌های تعطیل شده یکی پس از دیگری به پای میز محکمه کشیده شده و محکوم می‌شوند. شرکت کنندگان در کنفرانس برلین که همگی از طرفداران خاتمی و بقای جمهوری اسلامی هستند، صرفابه جرم ابراز عقايدی مخالف نظرات جناح مسلط هیئت حاکمه با اتهام ارتداد، محاربه و اقدام علیه امنیت کشور، محکمه می‌شوند. در بحبوحه این اقدامات سرکوبگرانه و تشدید جواختنac، رژیم در تلاش است با برپا کردن یک دادگاه قلابی مسئله قتل‌های زنجیره‌ای را نیز مختومه اعلام کند. دستگاه قضائی رژیم جمهوری اسلامی از هم اکنون ابراز عقیده و هرگونه نظری را در این مورد منوع اعلام نموده است. رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۰ آبان ماه، طی حکمی، نیازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح را موظف ساخت با "کسانی که به بهانه نظریه پردازی پیرامون قتل‌های اخیر (مشهور به قتل‌های زنجیره‌ای) به افسای اسرار نظامی می‌پردازند و امنیت ملی را تهدید می‌کنند" و یا مبادرت به انتشار شب نامه می‌نمایند، "برخورد قاطع" کند. این حکم رئیس قوه قضائیه در شرایطی صادر می‌گردد که اعتراض و افساگری در مورد قتل‌های سیاسی وزارت اطلاعات و ماجراهای پشت پرده پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به یک صفحه ۲

مبارزه طبقاتی و رهایی ران (۲)

«اصلاح طلبان» به دریزگی افتاده اند

از دست "رادیکال ها" و سپردن آن به دست "عقلای" دوچنانچه می‌شود. او در توضیح اهداف و وظائف هیئتی که مامور تدوین استراتژی جدید دوم خردادی هاست گفت: "ما الان در یک شرایط قطبی شده به سر می‌بریم. عقلای دو طرف کمترقدر مانور دارند و من فکر می‌کنم ما باید به سمتی برویم که رهبری تحرکات اجتماعی را از بخش‌های رادیکال بگیریم و به بخش‌های عقلایی واگذار کینم. زیرا آنان با هزینه کمتری رقابت می‌کنند. در واقع تخاصمات میان دو جناح نباید به جائی برسد که رهبری خود را به بخش‌های رادیکال واگذار نمایند." اظهارات شکوری راد راه‌همزمان با وی یکی از سران تشکل دانشجویی وابسته به دولت در مصاچبه دیگری تکمیل نمود و گفت "باید نگرش اصلاح طلبانه را در برابر رفتارها و واکنش‌های رادیکال و برانداز تقویت نمود." باید با "تعدیل مطالبات خودالگوی جدیدی از تمایل به زندگی مسالمت‌آمیز را در جامعه رواج دهیم."

افلاس و ورشکستگی "اصلاح طلبان" دو خردادی به نهایت خود رسیده است. آنها که زمانی ادعای رفرم و اصلاحات داشتند، از آزادی و جامعه مدنی سخن می‌گفتند، بنا به ماهیت ارجاعی شان نه می‌توانستند با مردم و مطالبات آنها هماهنگی داشته باشند و گام بردارند ونه توان وجرات آن را داشتند که در برابر جناح رقیب‌ایستادگی کنند. لذا هرچه جنبش توده‌ای با طالبات رادیکال تربه میدان آمد، آنها هراسناک‌تر پس نشستند و رودروری آن فرار گرفتند. هرچه این هراس بیشتر شد توان مقابله آنها با جناح رقیب نیز کمتر شد. آنها پی در پی مجبور به عقب نشینی در مقابل جناح رقیب شدند. ناگزیر شدن مطالبات خود راتا به آن حد کاهش دهنده که برای جناح رقیب پذیرفتنیست. آنها اکنون به نقطه‌ای رسیده‌اند که مواضع "رسالت"‌ی‌ها را که درسنه سال گذشته برآن تاکید می‌شده، تکرار می‌کنند. اینان نیز اکنون میگویند: باید ابتکار عمل را به دست "عقلای" دو طرف" به آدم‌هائی از قمash خامنه‌ای، رفسنجانی، کروبی و خاتمی سپرد. آنها اکنون حاضرند که حتی ته مانده لایه‌های پائینی دو خردادی را که هنوز در توهمنات اصلاح طلبانه به سر می‌برند به عنوان "رادیکال"‌های جناح خود قربانی کنند و تنها چیزی که می‌خواهند این است که از شر تندرویهای جناح رقیب خلاص شوند. اما بعيد به نظر می‌رسد که در تحقق این آخرین مطالبه خود نیز توفیقی داشته باشند. جناح رقیب اهل امتیاز دادن نیست و به چیزی جز تسلیم بی‌قید و شرط رضایت نخواهد داد.

قطع گردن ۵۰ زن در عراق

در اواخر ماه اکتبر، خبرگزاریهای جهان خبر یک جنایت هولناک در عراق را مخابره کردند. "ستاد ویژه مبارزه با فساد" که سپرستی آن با "نودی حسین" (پسر صدام حسین) است، حکم قطع سر ۵۰ تن از فواحش در بغداد را صادر نمود. اعضاء ستاد فوق با گردآوردن فواحش در ملاء عام سر آنها را با تیغه های ۳۲ کیلوئی قطع و در میادین بغداد به نمایش گذارند. انتشار این خبر موجی از انزجار و تنفر در سراسر جهان را برانگیخت.

خواهد ساخت. در همین چند سال اخیر ارگان‌ها و نهاد‌های رنگارنگ حکومت اسلامی منوعیت های متعددی وضع و اعلام کرده اند، اما مردم آنها را خنثی و درهم شکسته اند. در همین چند سال اخیر در دهها و صدها مورد، اعتراضات توده مردم سرکوب شده است اما این اعتراضات دوباره در ابعادی وسیع تر پا گرفته اند. حتی فرامین و دستور العمل های سران رژیم وارگانهای امنیتی آن نبوده‌اند، تصادها و کشمکش‌های جناح های رقیب را کنترل و مهار کنند. بنابراین نتیجه تلاشهای سرکوبگرانه اخیر رژیم از جمله حکم رئیس دستگاه قضائی حکومت اسلامی نیز از هم اکنون روش است. هیچ سرکوب، دستور العمل و فرمانی قادر نخواهد بود رژیم را از معضلات و بحران‌های موجود نجات دهد. معضل قتل های سیاسی نیز مادام که حکومت اسلامی پارچه‌است، هم چنان لایحل خواهد ماند. برپائی دادگاه فرمایشی نیز این معضل رژیم را در نخواهد کرد.

کمک‌های مالی رسیده

آلمان

چریک فدائی خلق زیرم	۲۰ مارک
ECKERNFORDE	
هامبورگ	
هومر	۵۰ فلرون
ایلیاد	۳۰ مارک
ن_ مازیار	۵ مارک
کاسل	
ح_ الف	۵۰ مارک

تشدید اقدامات سرکوبگرانه دستگاه قضائی

مغضل جدی رژیم تبدیل شده است. مردم خواهان افسای تمام قتل های سیاسی وزرات اطلاعات و آمرین و عاملین آنها هستند. علاوه بر خانواده های مقتولین آذر ماه ۱۳۷۷، گروهی از خانواده های مقتولین سالها و ماههای قبل از آن با دلائل و اسناد روشن خواهان رسیدگی به این قتل های سیاسی شده اند. ابعاد این قتل ها به حدی سرت که حتی نام و مشخصات تعدادی از آنها در برخی از روزنامه‌های وابسته به جبهه دوم خرداد نیز آمده است. وکلای خانواده‌های ۴ تن از مقتولین، خواهان آن شده‌اند که تمام اسناد بازجوئی‌ها از جمله بازجوئی‌های امامی در اختیار آنها قرارگیرد. در همین حال جناح های رژیم به افساگری علیه یکدیگر برسر این مستله ادامه می‌دهند. یک روز پیش از صدور حکم رئیس قوه قضائیه، علی فلاحیان و وزیر اسبق دستگاه سرکوب وکشتار موسوم به وزارت اطلاعات، طی یک سخنرانی در مشهد سخنان حسینیان را بازگو کرد و گفت که به دستور نیازی، بازجویی امامی داروی نظافت را به حق وی ریخته است. او همچنین گفت که متهمنین در بازجوئی اعتراف کرده اند که این قتل ها با حکم، یعنی با اجازه مقامات مذهبی و دولتی صورت گرفته است. در ادامه همین روزنامه افساگریهای جناح رقیب، خبر انتشار جزوی از مقتولین منتشرگردید که گویا در آن اسامی تعدادی از بازجویان و وزارت اطلاعات علی شده است. شورای امنیت ملی رژیم با صدور اطلاعیه ای درج مطالب این جزو را در مطبوعات من نوع اعلام نمود. حکم رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی در واقع تلاشی است اولا برای مقابله با اعترافات مردم و خانواده‌های مقتولین. ثانیاً جلوگیری از انتشار اخبار و گزارشات مربوط به این قتلها در برخی روزنامه‌ها ثالثاً متوقف ساختن افساگریهای جناح رقیب هیئت حاکمه برسر این مستله و بالاخره تشدید جواختن اتفاق تادرچینی جوی با برپائی یک دادگاه فرمایشی ماجراجی قتل‌های زنجیره‌ای سال ۶۷ و کل قتل‌های سیاسی حکومت اسلامی را به کلی مختومه اعلام کنند. اما آیا با تمام این تمهیمات معضلات رژیم حل خواهد شد؟ پاسخ این سؤال را نتیجه اقدامات سرکوبگرانه رژیم بويژه در سالهای اخیر داده است. وضعیت جامعه و رژیم دیگر به گونه ای نیست که با فرمان و سرکوب بشود مسائل وجود و اعلاء روزافزون جنبش اعتراضی توده‌ای تلاشهای رژیم را شکست روپرتو

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

نقش محوری شوراها و کنترل کارگری در پلاتفرم چپ

چرا که مسئله آزادیهای سیاسی، جدایی دین از دولت، برابری حقوق زن و مرد، حق تعیین سرنوشت برای ملت ها و مطالبات اجتماعی - رفاهی عمومی هر چند که حائز اهمیت‌اند و چپ برای تحقق کامل و رادیکال آنها تلاش می‌کند، اما مطالباتی بورژوا - دمکراتیک اند. در حالیکه چپ کمونیست اساساً برای کسب قدرت توسط کارگران و زحمتکشان و برای برقراری سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه می‌کند. لذا پلاتفرم چپ، درحالی میتواند یک پلاتفرم رادیکال به معنای واقعی کلمه باشد که فراتر از مطالبات بورژوا دمکراتیک باشد، به طرح مطالباتی بپردازد که متنضم قدرت طبقه کارگر باشد و انتقال به سوسیالیسم را تسهیل کند. کسی نمیتواند تضمین کند که طبقه کارگر در جریان تحولات انقلابی که هم اکنون در چشم انداز قرار گرفته است، قدرت را درست خواهد گرفت. اما یک چیز مسلم است. اگر جمهوری اسلامی چشم‌اندازی برای بقاء ندارد، اگر جنبش همچنان به اعتلاء بیشتر خود ادامه دهد و اگر این اعتلاء به مرحله‌ای برسد که اعتصاب عمومی برپاگردد، در جریان شکل - گیری این اعتصاب، کمیته‌های اعتصاب پدید می‌آیند. تجربه انقلاب گذشته نیز هم، این واقعیت را نشان داد و هم نقشی که طبقه کارگر که خاطر موقعيت طبقاتی خویش و نقشی که در تولید دارد، در این اعتصاب ایفا نمود. اعتصاب عمومی سیاسی یک لحظه گذراست و اگر با شکست رویرو شود به شکل عالی تریعی قیام مسلحه ارتقاء خواهد یافت. در جریان این ارتقاء اعتصاب عمومی سیاسی به قیام مسلحه است که کمیته‌های اعتصاب نیز متحول می‌شوند و از درون آنهاست که شوراها بعنوان ارگان های اقتدار و اعمال حاکمیت سیاسی توده های کارگر و زحمتکش شکل می‌گیرند و هم زمان با آنها درنتیجه همین تحول در کمیته های اعتصاب، کمیته‌ها یا شوراها که کارخانه پدید می‌آیند که وظیفه کنترل کارگری را در برابر خود قرار می‌دهند. این پدیده ها را نیزه‌رچند به شکل نطفه‌ای آن در انقلاب گذشته ایران دیدیم و دقیقاً همین دو نکته اساسی یعنی شوراها و کنترل کارگریست که می‌تواند پلاتفرم چپ را به عنوان پلاتفرمی که به فراسوی نظام موجود نظر دارد در وضعیت موجود از پلاتفرم راست متمايز سازد. درست است که نه برقراری شوراها و نه کنترل کارگری فی نفسه به معنای برقراری سوسیالیسم نیست، اما تمام آن چیزی است که برای انتقال به سوسیالیسم ضروریست.

طبقه کارگر برای سرنگونی بورژوازی، کسب قدرت و حفظ آن و انجام وظائف تاریخی خود، مقدم برهرچیز باید ماشین بورژوازی را درهم بشکند و دولتی را بایجاد کند که با وظائف پرولتاریا در انقلاب و تحقق اهداف انقلاب اجتماعی تطبیق نماید. این دولت یک دولت شورائیست که با هر گونه بورکاراسی ممتاز و مافق مردم و نیروهای مسلح حرفة

از آنجائی که نمی‌تواند به مطالبات مردم جواب دهد لاجرم تضادهای موجود را تشدید می‌کند، مبارزه مردم ارتقاء می‌یابد، توده مردم متقاعد می‌شوند که برای درهم شکستن مقاومت ارجاع حاکم باید به اشکال عالی تری از مبارزه متولی شوند تا سرانجام مرحله‌ای فراخواهد رسید که کارگران و زحمتکشان ایران، با حریبه اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحه مقاومت رژیم را درهم می‌شکند. هرچند مقاومت رژیم دربرابر مردم شدید تریا شد، اشکال مبارزه مردم نیز شکلی متععرض تربه خود خواهد گفت. بنابراین شواهد موجود نشان می‌دهند که با گذشت هر روز شرایط عینی برای وقوع یک انقلاب در ایران بیشتر مهیا می‌گردد. اما برغم این آماده شدن شرایط عینی انقلاب، ضعف عامل ذهنی بهوضوح دیده می‌شود. هیچکس این واقعیت را نمیتواند انکار کند که کارگران و زحمتکشانی که از هم اکنون با مبارزات خود ارکان رژیم را به لرزه در آورده اند، از ضعف تشکل و آگاهی رنج می‌برند. اختناق، سرکوب و بی‌گذشت متمادی مانع از آن شده است که طبقه کارگر در سازمان های صنفی و سیاسی مستقل طبقاتی خود منشکل‌گردد و به منافع طبقاتی خویش کاملاً آگاه شود. این ضعف تشکل و آگاهی طبقه کارگر و دیگر توده‌های رحمت- کش در همان حال که هم اکنون یکی از عوامل مهم به تاخیر افتادن سرنگونی رژیم است، متنضم این خطرنیزه است که جریانات غیر پرولتاری در شرایط اعتلاء یافته تر جنبش با بهره‌گیری از امکانات متعدد داخلی و بین المللی خود، مجدداً رهبری جنبش توده‌های را به دست بگیرند و آن را ازمسیر انقلابی منحرف سازند. لذا پیش از آنکه کار به اینجا بکشد، نیروهای انقلابی، چپ و کمونیست باید خطر را به خوبی دریابند و با طرح رایکالتین شعارها و پلاتفرمی که بیانگر رادیکالیسم جنبش، مطالبات توده مردم و کسب قدرت توسط کارگران و زحمتکشان است، از هم اکنون برای تفکیک صفات انقلاب و ضدانقلاب وارتقاء موقعیت طبقه کارگر در جنبش سیاسی تلاش کنند. در این میان پلاتفرمی که چپ در قبال تحولات انقلابی ارائه می‌دهد حائز اهمیتی جدیست که نه تنها به تفکیک هرچه بیشتر و بهتر صفت بندی‌ها کمک می‌کند، بلکه به خاطراین که بیانگر رادیکالیسم جنبش است، از قدرت بسیج کنندگی بالائی برخوردار خواهد بود. این واقعیتیست که هرچه رژیم بیشتر در مقابل خواست مردم ایستادگی می‌کند، جنبش رادیکالتزمیشود و توده‌های کارگر و زحمتکش حول شعارها و مطالبات رادیکال تر بسیج می‌شوند. چنین پلاتفرمی در همان دوام اورد و رفاقتیست. اما رژیم جمهوری اسلامی رژیمی نیست که تسلیم مردم و خواست های آنها شود. این رژیم با چنگ و دندان از موجودیت خود دفاع خواهد کرد و تا آخرین لحظات حیات خود دربرابر خواست مردم مقاومت خواهد کرد. معهذا

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارگران بیمارستان سینا

کارگران بیمارستان سینا از کاربرکنار شدند. کارگران در اعتراض به این موضوع، روز شنبه ۷ آبان در پرایر در ورودی بیمارستان، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار احراق حقوق خود شدند. بعد از آنکه تجمع اعتراضی کارگران با دخالت نیروهای انتظامی پایان گرفت، آنان به محل خانه کارگر رفتند و در آنجا تجمع اعتراضی دیگر را برپا کردند. شایان ذکر است که این کارگران بیشتر از ۶ سال سابقه کار دارند و با شرکت حمل و نقل دانشگاه علوم پزشکی، تایپایان سال‌جاري قرارداد داشتند اما بدون آنکه خود آنها اطلاع داشته باشد مسؤولیت شان به شرکت دیگری به نام شرکت "سه پنجه فر" و اذارگردید که شرکت اخیر نیز دستور تسویه حساب و اخراج را صادر کرد. کارگران خواستار بازگشت به کار و احراق حقوق خود هستند.

۴۰ کارگر اخراج شدند

به دنبال تعطیلی شرکت غلظت تولید کننده رب گوجه فرنگی در کرمانشاه، ۴۰ تن از کارگران این کارخانه اخراج شدند. کارگران که خواستار ادامه کاری کارخانه‌اند، نسبت به این موضوع شدیداً اعتراض دارند و خواهان بازگشت به کارند.

کارگران پرسی گاز از کاربیکار شدند

شرکت پرسی گاز ارومیه تعطیل و کارگران آن که از ۶ تا ۲۷ سال سابقه کار دارند، کارخود را از دست دادند. مدیرعامل شرکت در نامه مورخ ۷۹/۷/۱ ادعای کرد که شرکت با کمبود گاز مواجه است و عذر کارگران را خواست. اما کارگران این ادعای را رد کرد و می‌گویند "هیچکوئه کمبودی در زیینه گاز نداریم و آقایان فقط به دنبال سود می‌باشند" قابل ذکر است که کارفرما اموال شرکت را به مکان نامعلومی منتقل نموده و در پیراپراعتراض کارگران به آنان گفته است "شماهم بروید شکایت کنید".

اعتراض مردم پاچنار

جمع زیادی از ساکنین منطقه پاچنار شهرستان رودبار، در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی، دست به یک اقدام اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان که غالب آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند، از مسئولین مربوطه خواستند تا هرچه زودتر در جهت تامین آب آشامیدنی منطقه اقدام کنند. قابل ذکر است که مردم زحمتکش منطقه پاچنار، بیشتر ازدواجال است که با مشکل کمبود آب شرب مواجه اند و در حال حاضر روزانه فقط نیم ساعت از آب آشامیدنی برخوردارند. پس از آنکه از سوی مسئولین مربوطه قول مساعد برای رسیدگی به این مشکل داده شد، اعتراض کنندگان نیز به اقدام اعتراضی خود پایان دادند.

نقش محوری شوراهای کنترل کارگری در پلاتفرم چپ

است، هنگامی که شرایط ایجاد شوراهای فراهم گردد، قطعاً این بار کارگران و زحمتکشان در مقیاسی گسترده‌تر دست به ایجاد شوراهایی خواهند زد که ارگانهای اعمال حاکمیت سیاسی به معنای واقعی کلمه باشند. شکل گیری و گسترش این شوراهای در شرایطی که قدرت دیگری نیز در جامعه وجود داشته باشد، یعنی حتی بورژوازی قادر را هم به دست گرفته باشد، به معنای چیزی دیگری جز قدرت دوگانه در جامعه نخواهد بود. حتی در این اوضاع، شوراهای می‌توانند چنان شرایطی را پدید آورند که طبقه کارگر قدرت یگانه انقلابی را حاکم سازد. چرا که شوراهای قدرت بسیج و سیعی - ترین بخش توده‌های کارگر و زحمتکش را دارا هستند. برقراری کنترل کارگری در کارخانه‌ها نیز حتی چنانچه طبقه کارگر نتواند قدرت را به دست بگیرد، به معنای برقراری قدرت دوگانه در سطح کارخانه‌است. تجربه انقلاب گذشته در ایران نشان داد که در جریان تحولات انقلابی که به سرنگونی قدرت سیاسی حاکم می‌انجامد، قدرت حاکم در سطح کارخانه نیز متزلزل می‌شود. کارگران ابتکار عمل را به دست می‌گیرند. نخست می‌کوشند نظم و مقررات پلیسی - بوروکراتیک را درهم بکوبند و نظمی انقلابی - دمکراتیک را حاکم سازند. آنها مطالبات فوری خود را به مرحله اجرا می‌گذارند. همراه با این اقدامات می‌کوشند بر تمام اموری که مربوط به کارخانه است کنترل و نظارت برقرار کنند. حتی در جریان انقلاب گذشته که برای نخستین بار کارگران کنترل کارگری را معمول می‌کردند، وازان رو هنوز کنترل ابتدائی و محدود بود، در برخی موارد، کنترل حساب و کتابو دفاتر مالی را نیز برقرار ساختند. ورود و خروج مواد خام و کالاهای ساخته شده را تحت کنترل قرار دادند و محافظت از کارخانه هائی را که سرمایه داران آنها فرار کرده بودند بر عهده گرفتند. تردیدی نیست که کارگران بار دیگر در موقعيت مناسب، یعنی هنگامی که شرایط انقلابی به نقطه اوج خود برسد، دست به این ابتکار عمل خواهند زد و با تجربه‌ای که از گذشته کسب کرده‌اند، کنترلی همچنانه را بر تولید و توزیع برقرار خواهند ساخت و حیطه‌های این کنترل را بسط خواهند داد. در جریان برقراری این کنترل کارگری است که توده‌های کارگر مهارت‌های مدیریت را کسب کنند. طرح مطالبه شوراهای کنترل کارگری در پلاتفرم چپ، از جنبه دیگر نیز حائز اهمیت است. اگر طبقه کارگر در جریان تحولاتی که به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد، نتواند هژمونی خود را بر جنگش تامین کند، تشكیل شوراهای کارگران و زحمتکشان و برقراری کنترل کارگری در کارخانه‌ها به معنای برقراری قدرت دوگانه در سطح درانقلاب گذشته دیدم که برغم این که شوراهای تنها به شکل نطفه‌ای و محدودشان شکل گرفته و توده‌های کارگر و زحمتکش فاقد تجربه لازم بودند و بخش وسیعی در آغاز متوجه به هیئت حاکمه بودند، معهذا رژیم مدتها تلاش نمود تا توانست شوراهای را جمع کند. اکنون که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش تجربیات گرانبهائی آموخته‌اند و با پشت سر گزاردن یک انقلاب، سطح آگاهی آنها در قیاس با آن دوران افزایش یافته

ای جدا از مردم قطع رابطه کرده است. دولتی است که در آن اصل انتخابی و فرآخوانی حاکم است. در این دولت جاه طلبی و مقام پرستی جائی ندارد. کسانی که موقعیت و منصبی در دستگاه دولتی دارند از حقوق و مزایای ویژه‌ای برخوردار نخواهند بود و در نهایت حقوق آنها از متوسط دستمزد کارگران ماهر تجاوز نخواهد کرد. شوراهای ای که در برگیرنده و نماینده توده کارگر و زحمتکش اند، وظائف مقتنه واجرائی را انجام می‌دهند. این دولت است که اعمال حاکمیت مستقیم طبقه کارگر را ممکن می‌سازد و به توده‌های وسیع مردم زحمتکش، این امکان را می‌دهد که در امور کشور فعالانه مداخله نموده و کشورداری بیاموزند. این دیگر دولت به معنای اخص کلمه نیست بلکه دولتی زوال یابنده است که تدبیرجا محو خواهد شد و همراه با جامعه طبقاتی به بایگانی تاریخ سپرده می‌شود. بنابراین مقدم برهرچیز طبقه کارگر به یک دولت شورائی در ایران نیاز دارد. بدون وجود تجربیات انقلابی گذشته، شکل شورائی خواهد داشت، هیچ بحثی از تجدید سازمان - دهی سوسیالیستی جامعه و گذار به سوسیالیسم نمی‌تواند در میان باشد. از این‌روست که در صدر مطالبات یک پلاتفرم حقیقتاً چپ، دولت شورائی قرار می‌گیرد. در عرصه اقتصادی نیز تجدید سازماندهی سوسیالیستی جامعه مستلزم برقراری مدیریت کارگری و تسلط تولید کننده از همان آغاز، از نقطه تولید در کارخانه بر محصولات است، اما بویژه در ایران برقراری مدیریت کارگری، مقدمتاً یک مرحله انتقالی را می‌طلب که در آن کنترل کارگری برقرار می‌گردد تا از طریق آن کارگران مهارت‌های مدیریت را کسب کنند. طرح مطالبه شوراهای کنترل کارگری در پلاتفرم چپ، از جنبه دیگر نیز حائز اهمیت است. اگر طبقه کارگر در جریان تحولاتی که به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد، نتواند هژمونی خود را بر جنگش تامین کند، تشكیل شوراهای کارگران و زحمتکشان و برقراری کنترل کارگری در کارخانه‌ها به معنای برقراری قدرت دوگانه در سطح درانقلاب گذشته دیدم که برغم این که شوراهای تنها به شکل نطفه‌ای و محدودشان شکل گرفته و توده‌های کارگر و زحمتکش فاقد تجربه لازم بودند و بخش وسیعی در آغاز متوجه به هیئت حاکمه بودند، معهذا رژیم مدتها تلاش نمود تا توانست شوراهای را جمع کند. اکنون که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش تجربیات گرانبهائی آموخته‌اند و با پشت سر گزاردن یک انقلاب، سطح آگاهی آنها در قیاس با آن دوران افزایش یافته

استیصال کنگره، کنگره استیصال!

نگاهی گذرا به کنگره چهارم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

ازسات
نشروت

گرایش در کنگره چهارم نیز سرسختانه از این عملکرد و سیاست‌ها به دفاع برخاست. دفاع ک. م از این سیاست‌ها، جائی برای بازشنده بحث پیرامون استراتژی تشکیلات و سیاست تشکیلاتی و مسائل دیگری که ازسوی گرایش منتقد حاضر در کنگره مطرح می‌شد نمی‌گذاشت و بنابراین بحث حول خط مشی و فعالیت سیاسی سافخا کانونی شد. گرایش منتقد براین نظر بود که سافخا و ک. م آن در موضع گیریها و تبلیغات سیاسی خود، غالباً به درگیری جناح‌های حکومتی در بالا پرداخته و در برخورد به جنبش های اجتماعی در پائین ضعیف بوده است، جهت گیری اطلاعیه‌ها و مقالات اتحاد کارنیز طرد "جناح راست رژیم" بوده و در افشاء تزلزلات جناح خاتمی و سازش آن با "جناح راست" بسیار ضعیف بوده است و بالاخره چنین نتیجه می‌گرفت که این سیاست، ازیک طرف جناح خاتمی را از زیرضرب خارج کرده واز طرف دیگر به مطالبات توده‌ای در رودرورئی آنان با تمایت جمهوری اسلامی کم‌تجویه کرده است. گرایش منتقد چنین سیاستی را تلویحاً مغایر قطعنامه مصوبه کنگره سوم می‌دانست که در آن بر شکل دادن یک الترناتیو انقلابی در مقابل جمهوری اسلامی تاکید شده بود! گزارش نشریه اتحاد کار حاکی از آن است که همین جهت گیری سیاسی ک. م در فاصله دو کنگره، اعتراض بخش زیادی از نیروی های این سازمان را درپی داشته است به نحوی که بخش زیادی از اذری شافخا را نیز گرفته و موجب افت فعالیت تشکیلاتی نیزشده است. معهذا این نظریه پیرامون عملکرد ک. م و سیاست های سافخا که گرایش منتقد حاضر در کنگره از آن دفاع می‌کرد، فقط ۴۵ درصد آراء را به دست آورد و تصویب نشد.

اما گرایش راست و رفرمیستی که فعالیت در عرصه سیاسی را مهم ترین اولویت سافخا می‌دانست براین نظریه که این فعالیت اساساً انجام شده است و با پذیرش اینکه سیاست افساگرانه در قبال خاتمی و حساسیت نسبت به جنبش‌های اجتماعی ضعیف بوده است، تاکید داشت که موضوع‌گیری ها در اطلاعیه ها و مقالات اتحاد کار، اساساً در چارچوب مصوبات کنگره قبلی بوده است. این نظریه نیز منهای آراء گرایش منتقد و یک آراء ۸ درصدی که در رای گیریهای مهم موضع انفعالی داشت، بقیه آراء یعنی ۴۷ درصد آراء را کسب کرد و به هر حال این هم تصویب نشد.

گرایش منتقد ک. م که نتوانسته بود در زمینه نقد و نفی مجموعه فعالیت‌های سیاسی و موضع گیری‌های ک. م نظرخود را به تصویب برساند، برآن شد که لاقل در یک زمینه ک. م را عقب بنشاند. این گرایش وقتی که خواست موضع گیری آبرو برباد ده ک. م و رهنمودهای آن در فراخوان مردم به شرکت در انتخابات مجلس را برگسته کند که اینهای این موضوع بهخودی خود برگسته هم بود! دو پیشنهاد در این زمینه مطرح بوده و برای اینکه نظر پیشنهادات قبلى دچار شد، یکی اینکه سیاست ک. م در قبال مجلس با سیاست این سازمان در گذشته متفاوت بوده و برای اینکه نظر اکثریت سازمان باشد بایستی با نظرخواهی از تشکیلات اتخاذ می‌گردد، دوم اینکه مشارکت در انتخابات مجلس عملاً درخواست از مردم به رای دادن به جناح "اصلاح طلب" درون حکومت بوده و نادرست بوده است. اما این پیشنهادات نیز به سرنوشت پیشنهادات قبلى دچار شد و بیشتر از همان ۴۵ درصد آراء را به دست نیاورده!

بنابراین در اتحاد کار، در زمینه اتحاد عمل ها و نیز در برخی دیگر از عرصه‌های کار تشکیلاتی نیز پیشنهادات و مباحثی مطرح گردید که "هیچیک رای کافی برای تصویب به دست نیارود". معهذا در جمع بندی نهانی مهمترین ضعف ها و مشکلات سافخا طبق گزارش یاد شده چنین برشمرده شد که سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران دیدگاه و برنامه مشخصی برای یک تحول بنیادین در ایران نداشته و برنامه مشخصی برای پیوند با جنبش اجتماعی و مبارزه جاری توده‌ها نداشته است، دید روشی از ائتلافها و متحدین خود نداشته و برنامه مشخصی برای نزدیک شدن نیروهای چپ جهت

در صفحه ۷

طبق گزارشی که در اتحاد کار شماره ۷۷ (شهریور ۷۹) به چاپ رسیده است، کنگره چهارم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (سافخا) برگزار شده است. در کنگره سوم این سازمان، هنگام بحث پیرامون خط مشی سیاسی، نظر هیچیک از دو گرایش اصلی سافخا به تصویب نرسید. نه گرایش راست و رفرمیست که با شعار الغاء ولایت فقیه به میدان آمده بود و حمایت از جناح خاتمی را تجویز می‌کرد. نهایتاً، تصویب یک قطعنامه مشترک گرچه علی‌الظاهر کنگره را موقتاً از بن بست و بلاتکلیفی نجات داد، اما ابهامات موجود در این قطعنامه و نیز نحوه تنظیم آن که می‌بایستی تامین کننده نظر هردو گرایش باشد عمل دست کمیته مرکزی (گرایش راست) را که در ضمن اهرمهای اجرائی و سیاسی رادردست داشت، در پیشبرد خط مشی راست روانه خود بازگذاشت و در عمل هم این گرایش، به اتخاذ راست ترین سیاست ها روی آورد و کل سافخا را به دنبال خود و جناحی از حکومت کشاند. با عطف توجه به این سابقه، بدیهی بود که در کنگره چهارم نیز تعیین خط مشی سیاسی و نقد عملکرد کمیته مرکزی به مرکز بحث‌ها تبدیل شود. ازسوی دیگر در فاصله دو کنگره، بحث هائی نیز از سوی نمایندگان فکری گرایش راست پیرامون تبدیل اتحاد فدائیان خلق ایران، ازیک سازمان "بسته" به یک "حزب فراگیر" که در اساس استحاله کامل سافخا به یک جریان قانونی و علنی را تدارک می‌دید، مطرح شده بود که علی‌القاude کنگره نیز در قبال آن باید موضع می‌گرفت و چارچوبهای اصلی سیاست تشکیلاتی سافخا را روشن می‌کرد! بر مبنای گزارش اتحاد کار، بحث ها و پیشنهادات متعدد و مختلفی برای دستور کار کنگره وجود داشت که پس از حذف و یا ادغام آنها در یکدیگر آنهم به منظور آنکه کنگره "فرضت کافی" برای بحث و بالنتیه برای تصمیم گیری داشته باشد، از شمار این مباحث و موضوعات کاسته شد و سرانجام از میان تمام مباحث و پیشنهادات، دو موضوع یکی "نقد عملکرد و هویت ما" و یکی هم "اوپاع سیاسی و وظائف ما" به بحث های مهم و محوری کنگره تبدیل شد. معهذا به رغم بحث های زیاد و بخش پراکنده‌ای که حول این مقولات صورت گرفت و برغم استعدادهای فراوانی که کنگره در ارائه پیشنهادات متفرقه و بی‌شمر از خود بروز داد، کنگره اما تقریباً در هیچیک از این موارد نتوانست تصمیم گیری کند و ناتوانی و بی استعدادی خود را در تبلور اراده جمعی به نمایش گذاشت. با نگاهی کوتاه و گذرا به موضوعات و مباحثی که در گزارش آمده است و تصمیماتی که گرفته نشده است به سادگی می‌توان به استیصال کنگره و قبل از همه به بن بست و استیصال گرایشی که هنوز بین انقلاب و رفرم در نوسان است پی‌برد. اکنون به بررسی مباحث مربوطه به همان ترتیبی که در گزارش از کنگره امده است می‌پردازیم.

"نقد عملکرد و هویت ما"

نخستین دستور کار کنگره "نقد عملکرد و هویت ما" بود که خود از دل ادغام دو بحث و دستورکار کنگره یعنی "نقد عملکرد" و "سیاست تشکیلاتی و هویت ما" به وجود آمده بود. گرایش انقلابی کنگره ظاهراً می‌خواست عملکرد سافخا لاقل در فاصله ای در عرصه مسائل برنامه ای، بر مبنای آن، به رهیافت های تازه ای در عرصه مسائل برنامه ای، سیاسی و تشکیلاتی بررسد، به نحوی که هویت این جریان نیز در مجموعه این رهیافت‌ها، و راه حل‌ها تعریف و یا باز تعریف شود. اما در عمل وقتی که ک. م سند عملکرد خویش را به کنگره ارائه کرد، بحث اساساً حول آن و انتقاداتی که پیرامون آن مطرح می‌شد چرخید. ک. م وقت، همانطور که می‌دانیم گرایش راست و رفرمیستی سافخا را نمایندگی می‌کرد و می‌کند و بیویژه از کنگره سوم به بعد دنبال‌چه بورژوازی و حامی یک جناح حکومتی تبدیل کرده بود. این

چه امکاناتی برای تغییرات وجود دارد

توضیح: تغییر شرایط سیاسی جهان و یک قطبی شدن آن، در کشور کلمبیا نیز مانند بسیاری دیگر از کشورهای آمریکای لاتین، مسئله نحوه برخورد و رابطه جنبش های مسلحه با حکومت را به مسئله محوری مباحثات تبدیل نمود. مطلبی که میخواهد تقدی است بر موضع غالب و رایج در این زمینه. این نوشه از گاهنامه *Resistencia نشیریه نیروهای انقلابی مسلح کلمبیا*- ارتشد خلق (FARC FP) مورخه مه ۱۹۸۰ از آلمانی به فارسی برگردانده شده و جهت اطلاع خوانندگان در نشیریه درج می شود.

برخی روشنفکران، رهبران احزاب چپ، سوسیال دمکرات و احزاب به اصطلاح دمکراتیک میزان عملی بودن پژوهش های سیاسی ای را که باید در آمریکای لاتین منجر به تغییراتی شوند، ملاکی برای تائید و حمایت، یار و عدم حمایت از این پژوهشها و طرح ها می دانند. همزمان، نظراتی در باره راههای "غیر قابل تحقق" با هدف نفی این راهها تبلیغ می شوند تا مخالفت با آنها را توجیه کنند. به عنوان مثال گفته می شود اهداف مشخصی مثل انتخابات و همزیستی مسالمت آمیز بیان انقلاب و ضد انقلاب، تحت شرایط حاکم (منظور مناسبات سرمایه داری است - مترجم) عملی و قابل اجرا هستند، و تلاش های مردم برای انجام تغییرات انقلابی به دلیل شکل و مضمون آنها غیر قابل اجرا یند. بطور مشخص در رابطه با نیروهای چپ و دمکرات تأکید می شود که اتحاد با نیروهای راست، نفوذ ایبریا و مرکز می تواند در خدمت ایجاد آن مبنای باشد که می توان بر اساس آن برای تحقق یک طرح عملی و قابل اجرا حرکت کرد. در عین حال گفته می شود که قیام، جنگ مسلحه باشند و بسیج توده ای غیر عملی هستند. به این ترتیب است که مباحثه ای حول مبانی یک طرح اولیه بسیار ناقص و سروdom بریده طراحی می شود:

آنچه که دریک محدود زمانی مشخص امکان تحقق دارد، عملی است و آنچه که در زمانی مشخص ناممکن به نظر می رسد، غیر عملی است. آن طرز تفکری که به وظائف هر مرحله انقلاب بین گونه می نگرد، شکست چشم انداز انقلابی را در خود حمل می کند. اگر در جهت تغییرات انقلابی و تغییرات ساختاری جامعه تلاش می شود، اگراین عزم وجود دارد که سیستم سیاسی اقتصادی موجود را واقعاً دگرگون کرد، بنا بر این به طرح های مناسب و ضروری نیاز است. بر این مبنای انقلابی گری به این معناست که برای رسیدن به اهدافی مانند عدالت اجتماعی، برابری اقتصادی، تحقق دمکراسی واقعی، استقلال سیاسی و یک صلح شرافت مندانه باید پا را از چهار چوبه طرحهای

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲)

حزب انقلاب زده بود. مارکس آنان را "نمايندگان واقعی جنبش ارزیابی کرد. در واقع آنها پیشاهنگان طبقه کارگری بودند که در حالت نطفه ای قرار داشت و هنوز ضعیف و ناهمگون بود. "ژاکوبین ها" تا حدودی "تھیدستان" را تحمل می کردند. حتی از آنها برای فائق آمدن برمقاومت سلطنت طلبان و جناح های معتدل جمهوریخواهان استفاده کردند. اما هنگامی که "ژاکوبین ها" در ۳۱ مه ۱۷۹۳ "ژیروننیستها" را سرنگون کردند، به موتلفین دیروز خود پشت کرده و در فوریه و مارس ۱۷۹۴ "ژاکوبین ها" "خشمگینان" را به خاک و خون کشیدند.

با سرکوب "تھیدستان" "ماکسیمال رو به سیبر" و هوادارانش در معرض حمله شدید جناح راست بورژوازی که از پیشوای انقلاب هراسان بود، قرار گرفتند و در ۲۷ روزیه ۱۷۹۴ (مصادف با ۹ ترمیم دور تقویم تاریخ انقلاب) "ژاکوبین ها" سرنگون شدند. بدین ترتیب قدرت سیاسی تھیدستان کاملاً در هم کوبیده شد و بورژوازی چنین پندشت که قدرت ایدی خود را مستقر کرده است.

اما نقش زنان در جریان انقلاب فرانسه چه بود؟ "سیمون دوبوار" در پاسخ به این سوال چنین می گوید:

"جهان همواره به مردان تعلق داشته است... برخی گویا انتظار داشتند که انقلاب فرانسه سرنوشت زنان را تغییر دهد... اما این انقلاب چنین اقدامی صورت نداد. انقلاب بورژوازی صرفاً توسط مردان برپا شده بود و سرشار از احترام به ارزشها و نهادهای بورژوازی بود. (جنبش دوم ۱۷۹۲-۱۷۹۳ صفحه ۸۲-۸۳) این ادعا خلاف حقیقت است. چرا که زنان نقش مهمی در انقلاب ایفا کردند. در انقلاب فرانسه زنان را برسیب جایگاه طبقاتی خود به سهاردوی مجذامی توان تقسیم کرد: زنان اشراف، فمینیستهای بورژوا و زنان طبقات تھیدست و بی جیز.

فمینیستهای بورژوا

به طور کلی زنان اشراف در سراسر دوران انقلاب فرانسه، غیر فعلی بودند. چرا که آنها در موقعیتی فروضی نسبت به مردان هم طبقه خود قرار داشتند ولذا توان آن را نداشتند که از قدرت و حقوق همسران خود برخوردار باشند. وظیفه آنها پاسداری از میراث، نام و شهرت خانواده بود. معهداً زنان اشراف در امتیازات اشرافیت سهیم بودند و از همینرو از حمامیان قدرتمند رژیم کهن محسوب می شدند.

اما وضعیت زنان بورژوازی متفاوت بود. انقلاب بادرهم شکستن سلسله مراتب قدرت سنتی، آنها را به حرکت در آورده بود. فمینیسم بورژوازی شکوفا شد. در بخش بعدی به فمینیسم بورژوازی در انقلاب فرانسه و چهره های سرشناس آن پرداخته می شود.

(ادامه دارد)

توضیح: ترجمه فصل اول کتاب "مبارزه طبقاتی و رهائی زنان" نوشته تونی کلیف که در شماره ۲۴۳ منتشر شد، به ظهور ایده رهائی زنان در انقلاب انگلیس در اواسط قرن ۱۷ اختصاص داشت. فصل دوم، انقلاب بورژوازی فرانسه را مورد ارزیابی قرار می دهد.

انقلاب فرانسه

انقلاب فرانسه خصلتی دوگانه داشت. در سراسر دوران انقلاب دو مبارزه طبقاتی هم زمان در جریان بود. دریکسو بورژوازی قرار داشت، (که متشکل از طبقه بالنده صاحبان صنایع و حتی مغازه داران و مالکین کارگاههای کوچک بود) کسانی که تمک و ثروت شان در گرو توسعه سرمایه داری بود و از همینرو به مبارزه علیه اشرافیت برخاسته بودند، اشرافیتی که ثروت و تملک اش از زمینداری تامین می شد. در سوی دیگر، مبارزه طبقاتی توده های فقیر و تھیدست، یعنی طبقه کارگری که هنوز در حالت نطفه ای بود، قرار داشت. (بهاین جنبش، جنبش تھیدستان (Bras nus)) اطلاق می شد چرا که آنها برای تامین معاش، آستین بالا زده و با دست خالی، تلاس می کردند) انقلاب فرانسه، یک انقلاب بورژوازی بود. این انقلاب اولین تلاش ستمدیگان و استثمار شوندگان برای رهائی از کلیه اشکال ستم و استثمار نیز بود.

انقلاب فرانسه، اولین انقلاب مدونی بود که توده های وسیع مردم در آن دخیل بودند. (در حالی که انقلاب انگلیس کار ارتش بیورتنی کرومول بود) در جریان انقلاب فرانسه توده ها بارهای وابارها بورژوازی را ناگزیری به بارزه علیه سلطنت واشرافیت نمودند. تھیدستان به کرات زندان ها، کاخها و مجالس را مورد حمله قراردادند. با ارتیاع جنگیدند و از انقلاب پاسداری کردند. در واقع این توده ها بودند که بورژوازی را به ماوراء محدوده هائی که تمايل به حرکت داشت، به جلوسوق دادند، از یک سلطنت مشروطه سالهای ۹۱-۱۷۹۰ به جمهوری مردد و بلا تصمیم سال های ۹۱-۱۷۹۲ تحت رهبری "ژیرونن دیستهای" جناح راست و سرانجام به آن جمهوری که رادیکالترين و مصمم ترین لایه بورژوازی ("ژاکوبین ها") تحت رهبری "ماکسیمال رو به سیبر" هدایت و رهبری آن را بر عهده داشت.

در جریان انقلاب فرانسه، توده های فقیر و تھیدست برای رهائی از فقر، جان برکف در مقابله باستیل و سایر نقاط ایستادگی کردند با این امید که به فقر و تھیدستی پایان بخشدند و یوغ دیرین ستمگری فنودالها، اربابان، روحانیون و سلطنت برافت. علاوه براین، توده ها همچنین برای برانداختن یوغ بورژوازی نیز مبارزه می کردند. جنبش "خشمگینان" (Enrages) مدافعين سیاسی خواست نان و عدالت بود. "خشمگینان" برچسبی بود که بورژوازی به افراطی ترین

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌های سازمان

در اطلاعیه اعتصاب کارگران پاسارگادریا که در ۱۰ آبان انتشاریافته، آمده است که کارگران این کارخانه سه تا چهار ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و با اعتساب و تجمع اعتراضی خواهان پرداخت هرچه فوری تر حقوق و مزایای خود هستند. در بخش دیگر این اطلاعیه به اعتساب سال گذشته کارگران پاسارگاد دریا اشاره شده و گفته شده است که: در آذرماه سال گذشته نیز کارگران پاسارگاد دریا با راهپیمایی و تجمع در برابر بخشداری نسبت به عدم پرداخت منظم دستمزدها اعتراض کردند که متعاقب آن سرمایه داران مجبور به پرداخت دستمزد معوقه کارگران شدند.

مطلوبه انقلاب یک بار منفی دهنده. مدت زمان و موعدی که تحت آن یک موفقیت سیاسی حاصل می‌شود نباید عامل تعیین کننده ارزیابی صحت و یا عدم صحت یک طرح سیاسی باشد. بایستی این واقعیت مورد توجه قرارگیرد که پژوهه‌های انقلابی پیچیده اند و اجرای آنها نیازمند طولانی است. اما این امر نباید سبب نفی چنین پژوهه‌هایی شود. تمامی مسائلی که تا کنون در باره آنها صحبت شد در نهایت در رابطه با تفاوتات سیاسی که (منظور تفاوقات سیاسی بین چریکها و دولت کلمبیاست - مترجم) انجام می‌شود مورد بررسی قارامی‌گیرند. در این رابطه تعیین کننده خود طرح سیاسی است و نه "قابل اجرا" یا "غیر قابل اجرا" بودن آن. "وظیفه هر انقلابی" انجام انقلاب است" این مطالبه بزرگترین مطالبات است. همه کسانی که اعتقاد دارند که تنها راه خلقتها، تغییر کامل و اساسی سیستم حاکم برای کسب مطالبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و انسانی مردم است به این مطالبه وفادار مانهادند. هر چیزدیگری به جز این، به طور صاف و ساده منجر به محفظ موقعیت حاکم و انتباخت با سیستم موجود می‌شود.

وناپایارکه گرایش منتقد مطلاقاً نمی‌باشد و نمی‌توانست روی آن حساب باز کند به این می‌رسد که سافخاً دیدگاه و برنامه مشخصی برای یک تحول عمیق اقتصادی و اجتماعی نداشته است، دید روشنی از انتلافها و متحدین خود نداشته است برنامه‌های برای نزدیک شدن نیروهای چپ و انقلابی و تشکیل یک آلتربناتیو در برابر جمهوری اسلامی نداشتماست، برای پیوند با جنبش‌های اجتماعی برنامه‌ای نداشته است و فی الواقع با زبان بی‌زبانی می‌خواهد بگوید درسایه انبوه این نداشتن‌ها، دنباله روحی از بوزروزی و حمایت ازیک جناح حکومتی را داشته است! معهداً این که چکار باید بکند و چرا نباید به دیدگاه و برنامه مشخص جهت تحولات بنیادی و رادیکال مسلح گردد؛ نه کنگره و نه گرایش منتقد ک. م هیچ راه حلی برای آن نداشتن و دریک بلا تصمیمی اشکار که نمودی از استیصال کنگره بود، این موارد را به حال خود و به آینده ای نامعلوم واگذار نمودند.

بدین ترتیب مبحث نخست بی‌آنکه کنگره بتواند حتی یک نقد شفافی از عملکرد ک. م ارائه دهد و یا حرفي در زمینه "هویت" سافخاً داشته باشد و یا تصمیمی در زمینه سیاست‌ها و مشکلات تشکیلاتی اتخاذ کند پایان یافته و کنگره وارد بحث دوم شد.

(ادامه مقاله در شماره بعد)

چه امکاناتی برای تغییرات وجود دارد

هم طبقات محروم سهم بیشتری خواهند بردا. این طرز فکر چیزی به جزطاً اشتباه و شکست نخواهد بود. نیروهای انقلابی چیزی از سیستم حاکم طلب نمی‌کنند، مگر اینکه این درخواست در خدمت تقویت پژوهه‌های آنان برای تغییرات انقلابی و در جهت توسعه باشد. در این رابطه می‌تواند یک سوال عمومی مطرح شود: مذاکره نیروهای انقلابی با دولتی ایجاد فضاست یا برای قدرت کیری است. یک وجه مهم در این رابطه مسئله توازن قدرت است. کسی که این مسئله را نفی کند و یا قادر نباشد آنرا به نفع خود تغییر دهد عالم‌محبور به پشتیبانی از پژوهه‌های قابل اجرای طرف دیگر می‌شود، بر عکس کسی که موفق شود توازن قوا را برآسas خواستش و یا بر اساس توانائی اش، به سود خود تغییر دهد، شرایطی را به وجود می‌آورد تا طرح های خود را پیش ببرد. چنین کسی در رهبری می‌ماند. در واقع در اینجا داستان قدیمی زیر مطرح است:

نیروهای خود را به وجود آوریم، به آنها و به این امکان اعتماد کنیم که آنها خودشان را بازتولید و تقویت می‌کنند. به این منظور نیروهای انقلابی پایه اجتماعی خود را از پشتیبانی خلق، از میان بخش‌های مبارز و سورشگر، از آگاهترین بخش نیروهای سیاسی و اجتماعی خلق کسب می‌کنند. دیگران بر عکس پایه‌های خود را در بخش‌های رهبری کننده قدرت حاکم، در اتحادهای دائمی متغیر جستجو می‌کنند و به این ترتیب دائماً خود را از مردم دور می‌کنند.

موضع زمان و موعده تاریخی از تماشی موضوعات فوق تاثیر می‌پذیرد. اعتقاد بر این است که سرعت و زمان کوتاه برای رسیدن به یک موفقیت سیاسی مشخص به خودی خود یک پدیده مثبت و یک شانس است، هم‌زمان ادعا می‌شود، طرحی که بیرونی را بلند مدت ارزیابی می‌کند غیر قابل اجراست. به همین دلیل بعضی از افراد و نیروهای سیاسی مایلند به

استیصال کنگره، کنگره استیصال!

شكل گیری آلتربناتیو اندیشه اسلامی نداشته است و ... پی‌ازاین مباحثات سرانجام سند نقد عملکرد و اصلاحات وارد به آن به رای گذاشته شد که با پیوستن گرایش منفعل ۸ درصدی به گرایش منتقد کنگره، این سند با اکثریت بسیار ضعیف، شکنده و ناپایداری یعنی ۵۳ درصد آراء به تصویب رسید. اما این جمع‌بندی از نقد عملکرد که برخی نکات آن جنبه برنامه ای داشت و یا مستقیماً به مشی سیاسی بر می‌گشت و قاعده‌تا در نیمه دوم بحث یعنی "هویت ما" که بحث سیاست تشکیلاتی نیز در آن ادغام شده بود، کنگره می‌باشند و چاره‌ای برای آن می‌اندیشید تا سافخاً را از این همه بی‌ برنامگی نجات دهد، به زودی معلوم شد که یک جمع‌بندی کلی و حرفي بیشتر نبوده است چرا که تحت این عنوان که مبانی برنامه ای و پایه ای نیاز به کار تدارکاتی و جدی دارد و این تدارک صورت نگرفته است عمل از دستور کار کنگره خارج شد و گرایش ضعیفی که در این زمینه قطعنامه ای تنظیم کرده بود فقط ۱۸ درصد آراء را به دست آورد!

در بحث نقد عملکرد کمیته مرکزی، کنگره ولو با یک اکثریت ضعیف

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

غله بربریکاری و فقر و فاقه در این کشور
تنها انتخاب نامزد این حزب می باشد.
این بار شهر لوس آنجلس شاهد درگیری
و زدوخورد میان معتبرین به سیاستهای
سرمایه داران و مامورین پلیس وارتش
بود . روز ۷ اوت ، کنگره حزب دمکرات
آمریکا در این شهر آغاز به کار کرد. در
این جا هم هزاران نفر از سراسر آمریکا
گرد هم آمده و در مقابل محل برگزاری
این کارناوال دست به تظاهرات زدند.
اگر حزب جمهوریخواه نماینده هارتین
جناح سرمایه داری است و آشکارا از
مجازات اعدام ، منوعیت سقط جنین و
تلaffیق مذهب و مواد درسی در مدارس ، باز
گذاشتند دست سرمایه داران در درهم _
کوبیدن هرگونه تشکل کارگری دفاع می
کند ، حزب دمکرات مدافع همین اهداف
اما به شکلی دیگر و پوشیده تر است. در
این شهر نیز میلیونها نفر شاهد سرکوب
وحشیانه تظاهرکنندگان توسط پلیس بودند.
در اینجا نیز تظاهرکنندگان به مدت ۵
روز در بیرون محل برگزاری کنگره تجمع
کرده و خواهان تعطیل این نمایش فریب آمیز
شدن. تظاهرکنندگان اعلام کردند هزینه
برپائی کنگره این دو حزب مبلغ بالغ بر
۲۰ میلیون دلار بوده و بزرگترین موسسات
امپریالیستی برای پرداخت کمک مالی
به این احزاب به صفت شده اند. برای
مثال تنها در ماههای اخیر مبلغ ۲۸
میلیون دلار به عنوان کمک به مبارزه
انتخاباتی از سوی شرکت مایکروسافت ،
لاک هید و تگزاس اویل به حزب جمهوری
خواه پرداخت شده است و در مجموع بیش از
۲۰۰۰ سازمان و نهاد نماینده اتحادیه
صدھا میلیون دلار به انتخابات اخیر کمک
مالی نموده اند. با این اوصاف روش بود
که میلیونها تن از مردم به عنوان اعتراض
در این انتخابات شرکت نکنند و در عمل نیز
چنین شد. نه تنها نمی از مردم آمریکا در
این انتخابات شرکت نکرند ، بلکه این
انتخابات پوییدگی سیستم سیاسی موجود
را با بروز یک بحران آشکار ساخت.

تبليغاتی مضحكه آميز و بی محتوای اين
احزاب که ۳ ميليارد دلار خرج برپائي آنها
شده آغازگرديد ، اعتراضاتی از سوی مردم
مباز و معتبرین نيز صورت گرفت.
ماه اوت امسال دو شهر بزرگ آمریکا شاهد
برپائی کنگره های اين دو حزب بود که بايد
کاندیداهای اصلی اين احزاب را تعیین می
كردند. از روز شنبه ۳۰ ژوئیه يك حکومت
نظمی اعلام نشده در شهر فيلادلفيا حاکم
بود . برغم حضور هزاران مامور پلیس و
ارتشی تا دنده مسلح ، هزاران نفر در
اعتراض به برپائی اين نمایش و سیاستهای
ضد انسانی حزب جمهوری خواه ، در مقابل
 محل برگزاری کنگره اين حزب تجمع کرده و
خواهان تعطیل فوری اين تجمع شدند .
تظاهرکنندگان اعلام کردند که اعتراض خود
را در مدت ۵ روز برگزاری اين کنگره ادامه
خواهند داد. روز اول اوت ، هزاران نفر در
خیابانهای اطراف اين محل راه پیمائی کرددند
و با مسدود نمودن راه و روودی بهاین محل ، از
شرکت نماینده این سرمایه داران در این
کنگره جلوگیری نمودند. آنها می گفتند که
این حزب نماینده نژادپرستان ، صاحبان
صنایع اسلحه سازی و افزار جنگی بوده
و انتخاب نماینده آنها نمی تواند بهبودی
در وضعیت میلیونها بیکار و گرسنه داشته
باشد. این اعتراضات با عکس العمل شدید
ماموران پلیس مواجه شده و در يك يورش
وحشیانه به صفوی تظاهرکنندگان نزدیک
به ۷۰۰ نفر از آنها دستگیر و روانه
زنдан شدند. برغم وحشیگریهای روز مرد
پلیس در شهر فيلادلفيا ، نمایش انتخاباتی
حزب جمهوریخواه ادامه یافت و سرانجام
روز ۵ اوت ، ۲ تن از نماینده این صنایع
نظمی آمریکا به عنوان نامزد های این
حزب انتخاب شدند.

اما بلاfacله پس از برگزاری این کنگره ،
نوبت حزب دمکرات بود که با برپائی يك
نمایش تبلیغی پرهزینه به نیابت از سوی
بخش دیگری از سرمایه داران این کشور ،
به سراغ توده های مردم و افکار عمومی
رفته و آنها را متقادع سازد که راه حل

E-Mail:

info@fedaiyan-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
<http://www.fedaiyan-minority.org>



Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 345 nov 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت سورائی